



حورا، دیگر دختر امام موسی صدر:

بهترین پدر و همسر

چیزی که من همیشه از پدر به یاد دارم، اهمیت و توجه ویژه‌ای بود که ایشان به فرزندان دختر داشتند. این را برادرم از قول پدر برای من تعریف کرد که به او گفته بودند: «اگر زمانی نتوانم شرایط تحصیل را برای همه فرزندانم آماده

کنم و مجبور باشم بین آنها انتخاب کنم که کدام یک درس بخواند، اول فرزندان دختر را انتخاب می‌کنم.» جامعه آن زمان امتیاز زیادی برای زنان قائل نبود، اما ایشان خیلی جلوتر از سنت‌های معمول آن روزها بودند. زمانی هم که من و دو برادرم در پاریس تنها بودیم و مشغول به تحصیل، ایشان به برادرم سفارش کرده بودند که قرار نیست همه کارهای خانه به دوش حورا بیفتد چون او دختر است. با وجود مشغولیت‌ها و فرصت کمی که داشتند، در خانه هم با همه اهل خانه همکاری می‌کردند و هرگز ندیدیم که مثلاً بعد از خوردن غذا کنار بکشند و کمکی در جمع‌آوری وسایل نکنند. مادرم تعریف می‌کنند زمانی که من به دنیا آمده بودم، شب‌ها ناآرام بودم و بیدار می‌ماندم. ایشان از مادر می‌خواستند که استراحت کند و خودش با من بیدار می‌ماندند و من را آرام می‌کردند. زمانی مادرم به ایشان اعتراض کرده بودند که تو مدت کمی را در خانه با بچه‌ها می‌گذرانی و وقت زیادی برای تربیت‌شان نداری. ایشان هم به مادر گفته بودند که بچه‌ها با دیدن کارها و شیوه زندگی من تربیت می‌شوند و خانه نشستن من و نصیحت کردن، در تربیت آنها تاثیری ندارد.

حرف و عمل یکی بود



در جامعه لبنان تفاوت زیادی بین افراد عادی و آنهایی که صاحب مقام و منصبی هرچند کوچک، می‌شوند، هست. یکی از دوستان ما که با پدرم روی پایان نامه‌اش کار می‌کرد، می‌گفت پس از اینکه امام موسی صدر رئیس مجلس شیعیان لبنان شد و از صور به بیروت رفت،

بار به من گفتند: فکر نکن چون تو دختر موسی صدر هستی، نمازت بالاتر از نماز این دختری است که در خانه ما کار می‌کند. به مسئولین مدرسه ما تاکید کرده بودند مبدا رفتار شما با فرزندان من، با رفتاری که با بچه‌های دیگر دارید متفاوت باشد. کاری را انجام می‌دادند

که فکر می‌کردند درست است و همیشه درست بودن کار را در نظر می‌گرفتند، نه خوشامد یا بد آمد دیگران را. حرف و عمل ایشان همیشه یکی بود. هیچ وقت رفتار بیرونی‌شان با چیزی که ما در خانه می‌دیدیم تفاوتی نداشت. من با خودم فکر می‌کردم که دیگر ایشان من را نمی‌شناسند و به خانه‌شان هم راهم نمی‌دهند! سیاستمداران در لبنان واقعا چنین رفتارهایی دارند. پدر در جامعه آن روز لبنان هیچ وقت اجازه ندادند ما احساس کنیم که با بقیه متفاوتیم. یادم هست یک

ادیان در خدمت انسان

دغدغه اصلی ایشان اعتلای سطح فرهنگی جامعه لبنان بود و می‌گفتند اگر من بتوانم سطح فرهنگ مردم را بالاتر ببرم، تازه توانسته‌ام وظیفه دینی‌ام را انجام بدهم. دلیل محبوبیت‌شان هم رسیدگی بسیار زیاد به مردم و داشتن ارتباط نزدیک با آنها بود. یکی از دوستان پدر تعریف می‌کردند که زمانی از ایشان پرسیدم: «دلیل اینکه مردم تو را این همه دوست دارند، چیست؟» ایشان گفتند: «اگر کیلومتر شمار اتومبیل من را نگاه کنید متوجه می‌شوید که من چقدر در کشور لبنان رفت‌وآمد داشته‌ام. به همه شهرها و خیلی از روستاها رفته‌ام و با مردم از نزدیک تعامل داشته‌ام. پای درد دل‌شان نشسته‌ام و با آنها زندگی کرده‌ام.» شاید این کارها نتیجه دیدگاهی بود که به «انسان» داشتند. جایگاه انسان را خوب می‌شناختند. به عقیده ایشان، دین آمده بود تا در خدمت انسان‌ها باشد و قرار نیست که انسان در خدمت دین باشد. برای او، انسانی از هر دین و مذهبی، محترم بود. ایشان حتی با دشمنان‌شان هم دشمنی نکردند و آنها را از خودشان دور نکردند. به خاطر همین، خیلی از مخالفان‌شان بعد از مدتی آگاه شدند و به جمع دوستان ایشان پیوستند.

محمد علی فیروزان، نوه امام موسی صدر: تصویر یک انسان کامل



«همکلاسی‌هایم در مدرسه اکثر، پدر بزرگ من را می‌شناسند اما تا زمانی که مدیر مدرسه به آنها چیزی از من نگفته بود، نمی‌دانستند که من نوه او هستم؛ و این باعث ناراحتی من شد. خودم فکر می‌کنم که پدر بزرگم را خیلی خوب نمی‌شناسم و این تقصیر من است. از کتاب‌هایی که درباره ایشان نوشته شده هم نمی‌شود ایشان را خوب شناخت. دانستن از ایشان همیشه برایم مهم بوده و از مادر بزرگم خواسته‌ام که برایم از پدر بزرگم تعریف کند و خاطراتی که با او داشته‌ام را برایم بگوید. فکر می‌کنم دلیل اینکه پدر بزرگم آدم بزرگی است، این است که با دیگران فرق داشته. هیچ وقت از کسی نترسیده و به خاطر مصلحت اندیشی هیچ وقت خود یا خانواده‌اش را از انجام کاری که فکر می‌کرده درست است منع نکرده. توجهی که همیشه به خانواده خودشان و همین‌طور دیگران داشته‌اند هم برایم جالب است. تصویری که همیشه از یک انسان خوب و کامل داشته‌ام، تصور من از پدر بزرگم است. این طور فکر می‌کنم.»

امام موسی صدر از پایه گذاری جنبش امل تار بوده شدن

اگر امروز در مناطق شیعه‌نشین لبنان از هر کسی درباره او پرسید از موسی صدر با احترام و افتخار یاد می‌کند. امام موسی صدر به توصیه آیت‌الله العظمی بروجردی برای سامان دادن به امور شیعیان لبنان در سال ۱۳۳۹ از قم راهی این کشور شد. جامعه لبنان متنوع و متکثر است. زمان ورود امام موسی صدر شیعیان در میان هجده طایفه موجود در این کشور جایگاه مناسبی نداشتند. فقر اقتصادی و فرهنگی و نداشتن جایگاه سیاسی و اجتماعی در لبنان، مسایلی بود که شیعیان با آن روبرو بودند. امام صدر ابتدا توانمندسازی اقتصادی و اجتماعی را هدف قرار داد و بعد با تأسیس نهادهای متعدد آموزشی، اجتماعی و حتی تفریحی موقعیت جامعه شیعیان را بهبود داد. سپس به ابتکار او مجلس اعلای شیعیان لبنان تأسیس شد و مورد پذیرش دولت لبنان نیز قرار گرفت، مجلسی که محلی برای تصمیم‌گیری درباره امور شیعیان لبنان است. امام صدر همچنین با همراهی شهید بزرگوار مصطفی چمران، جنبش امل (مخفف اسفواج مقاومت لبنانی) را راه‌اندازی کرد. جنبشی که نخستین گام‌ها را برای مقاومت در لبنان برداشت. امام موسی صدر روحیه‌ای مبتنی بر مدارا و تحمل داشت. روحیه او در جریان جنگ‌های داخلی لبنان بارها آثار خودش را نشان داد. به همین دلیل نیز دشمنانش هر روز بیش‌تر از او کینه به دل می‌گرفتند. امام موسی صدر در عین اینکه مؤسس امل بود در جریان جنگ‌های داخلی لبنان خشونت‌پریزی خود را نشان داد. در عین اینکه مقاومت لبنان را حمایت می‌کرد به دنبال گرفتن بهره‌ای از آب گل آلود جنگ‌های داخلی لبنان نبود. همچنان که خودش هم می‌گوید الگوی او نه گاندی و نه هیتلر بلکه حضرت علی (ع) و امام حسین (ع) بودند که مقاومت را در کنار پرهیز از به کار بردن زبان زور می‌دیدند.

امام موسی صدر در یکی از سفرهای دوره‌ای خود به کشورهای عربی برای جلب حمایت از مقاومت لبنان، پس از مصر و الجزایر، به دیدار معمر قذافی در لیبی رفت. قذافی رسم میزبانی را به جای نیاورد. مطابق اسناد منتشر شده امام موسی صدر از زمان ورود به لیبی ارتباطش با خارج قطع شد و پس از نهم شهر یور ماه ۱۳۵۷ شمسی، دیگر از ایشان اطلاعی در دست نیست. دولت لیبی سعی می‌کند بگوید امام از لیبی خارج شده و در ایتالیا رفته شده است، اما اسناد قضایی در ایتالیا و لبنان خلاف این را ثابت می‌کنند. مطابق این سندها در همه ۲۲ سال گذشته، امام موسی صدر در زندان‌های مختلفی در لیبی در بند قذافی بوده است.

امروز از امام موسی صدر مجموعه‌ای از نهادهای خیریه اجتماعی و فرهنگی در لبنان باقی مانده است و مؤسسه امام موسی صدر در تهران که توسط دختر ایشان حورا صدر، اداره می‌شود؛ به بسط منظومه فکری و اطلاع‌رسانی درباره پرونده ایشان می‌پردازد.

دغدغه اصلی امام موسی صدر اعتلای سطح فرهنگی جامعه لبنان بود و می‌گفتند اگر من بتوانم سطح فرهنگ مردم را بالاتر ببرم، تازه توانسته‌ام وظیفه دینی‌ام را انجام بدهم